

وحدت در جامعه مؤمنین



وحدت و هم‌بستگی برای هر جامعه مبارزی، لازم و ضروری است؛ چراکه در غیر این صورت، نتیجه قطعی تفرقه و جدایی در جامعه مبارز، جز شکست نخواهد بود:

(وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ)
(از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنید و با یکدیگر به نزاع برنخیزید که ناتوان می‌شوید و قدرت و شوکتان از بین می‌رود. صبرپیشه کنید که قطعاً خدا با صابران است).

(انفال، ۴۶)

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پیام آخر الزما

فهرست

- ۳.....زنگ خطری برای امت اسلام
- ۶.....گزیده‌ای از کتاب تفسیر مقارن
- ۸.....یمانی و پیوند رسالات آسمانی|قسمت سوم
- ۹.....بیماری خطرناکی به نام نفاق
- ۱۱.....پیدایش حیات زیر ذره‌بین احتمالات
- ۱۴.....ادعای نبودن نام مهدی در قرآن
- ۱۷.....ولادت انسان کامل



هفته‌نامه زمان ظهور

شماره ۱۱۲، جمعه ۳۰ مهر ۱۴۰۰، ۱۵ ربیع
الاول ۱۴۴۳، ۲۲ اکتبر ۲۰۲۱
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه‌های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هرگونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام

زندگی خطری برای امت اسلام!

عده‌ای را با خود به تباهی بکشاند. اکثر انسان‌ها بازیگران خوبی هستند و به راحتی می‌توانند حقیقت درونشان را در ظاهر مخفی کنند؛ اما وقتی آب بالا بیاید، برای موش‌ها انتخابی غیر از این نمی‌گذارد که سرهای خود را ظاهر کنند. منافق در نهایت روزی نفاق خود را علنی کرده و به جنگ و مخالفت با حجت خدا برمی‌خیزد. تاریخ گذشتگان به فتنه‌های مکرر منافقان و ارتداد آن‌ها از مسیر حق گواهی می‌دهد.

زندگی خطری برای امت اسلام:

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «من هرگز بر امتی از سوی مؤمن و مشرک بیمناک نیستم؛ مؤمن را ایمانش بازمی‌دارد و

ابلیس (لعنه الله) پس از عمری عبادت سرانجام نفاق خود را اظهار کرد و از سجده بر آدم ﷺ سر باز زد و غربال شد. لشکریان ابلیس نیز به تقلید از وی راه نفاق و اجتهاد و دشمنی با لشکریان خدا را در پیش گرفتند.

شاید در ابتدا تصور کنید در هم صحبت شدن با منافق به راحتی می‌توانید نفاق یا دورویی او را تشخیص دهید، در حالی که این چنین نیست. متأسفانه خلق انسان به همان میزان که می‌تواند به اخلاق نیکو و نور خداوند مزین شود، در مقابل با پیروی از شهوات و توجه به منیت می‌تواند به چنان منجلابی گرفتار شود که اثری از انسانیت در او نماند؛ تا جایی که هم خودش در این باتلاق ظلمت غرق و غربال شود و هم با خدعه و نیرنگ

سید احمد الحسن (علیه السلام):

آری، «لا حول ولا قوة إلا بالله» و «إنا لله وإنا إليه راجعون»؛ اما خداوند مرگ و زندگی را آفرید تا بیازماید کدام یک از شما عملکرد بهتری دارید.

(گوساله، جلد دو، تحریف‌کنندگان)



صحرای کربلا شد!

همچنین «شمر بن ذی الجوشن» که در جنگ صفین جنگید و حتی جراحتهایی به او وارد شد؛ اما همان کسی شد که سر فرزند فاطمه علیها السلام را از تنش جدا کرد! عیدالله بن عباس هم از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و پسرعموی پیامبر صلی الله علیه و آله بود و برادر راوی مشهور حدیث عبدالله بن عباس. عیدالله از حامیان سرسخت امام علی علیه السلام و والی یمن در زمان حکومت امام اول شیعیان بود که درگیریهای فراوانی با مخالفان امیرالمؤمنین علیه السلام داشت و دو فرزند خردسالش توسط فرستاده معاویه به قتل رسیدند و در زمان امام حسن علیه السلام فرمانده لشکرش برای مقابله با معاویه بود؛ اما او همان شخصی است که فریب طلاهای معاویه را خورد و به امام حسن علیه السلام خیانت کرد و همراه خود حدود هشت هزار سرباز را از سپاه امام حسن علیه السلام به سمت معاویه کشاند!

مشرک را کفرش ریشه کن می سازد؛ لیکن نگرانی و بیم من بر شما از سوی منافق زبان بازی است که آنچه شما معتقد هستید می گوید و آنچه را اعتقاد ندارید انجام می دهد.» (۱)

به تاریخ برمی گردیم. منافقانی که فرمانده سپاه امام علی علیه السلام بودند و در رکاب حضرت می جنگیدند، افرادی همچون «اشعث بن قیس»، «شبت بن ربعی»، «شمر بن ذی الجوشن» و «عیدالله بن عباس» که سرانجام نیکو نداشتند و گمراه شدند و عده بسیاری را به گمراهی کشاندند.

اشعث پس از جنگ صفین از حامیان خوارج شد و طبق برخی اخبار در قتل امام علی علیه السلام نقش داشت؛ همچنین دخترش «جعه» همسر امام حسن علیه السلام بود که امام را مسموم کرد و به شهادت رساند.

شبت فرمانده جناح چپ سپاه امام علی علیه السلام در جنگ صفین بود که در ادامه یکی از قاتلین امام حسین علیه السلام در

غربال، غربال، غربال:

صفحات تاریخ مملو از ظلم ظالمین و منافقین در حق اهل بیت علیهم السلام است.

نفاق تبری است که صاحبش آن را با وضو برداشته، اما نه برای شکستن منیت خود، بلکه قطع کردن ریشه دین و ایجاد شکاف بین صفوف مسلمین هدف نهایی اوست.

نفاق یعنی مصیبت روز پنجشنبه، یعنی استخوانی در گلو علی علیه السلام، هیزمی پشت درب خانه فاطمه علیها السلام، تیری بر تابوت حسن علیه السلام، تیغی بر گلو حسین علیه السلام و چه مصیبت ها کشیدند خاندان نبوت از کارهای دشمنان و غاصبان و جاهلان و منافقان!

غربال

مگر اینکه غربال شوید، باز هم غربال شوید، باز هم غربال شوید. [این را سه بار فرمود] تا آنجا که آلودگی برطرف شود و پاکی بماند. (۳)

دعوت امام مهدی علیه السلام نیز مانند سایر دعوت های الهی از امتحان و غربال مستثنا نیست. اندک منافقینی به فرمان رهبرشان ابلیس در دعوت الهی رخنه کردند که با فضل الهی، بصیرت مکتب مبارک و اتحاد انصارالله رسوا شدند. از طرفی در عملیات غربال و تمحیص، عیار مؤمنین

اینک سؤالی به ذهن می رسد: آیا ارتداد و غربال در زمان ما هم ادامه دارد؟ بله.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مردم در انتهای غیبت گروه گروه از دین خارج خواهند شد؛ آن چنان که در صدر اسلام دسته دسته وارد می شدند.» (۲)

در حدیثی دیگر جابر جعفی روایت می کند که به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم فرج شما کی خواهد بود؟ فرمود: «هیئات هیئات. فرج ما تحقق نمی پذیرد،

سید احمد الحسن علیه السلام:

موضوع تفرقه و جدایی همراه با علی بن ابی طالب علیه السلام از روز هم روشن تر است، تا آنجا که وی علیه السلام را متحمل دردهایی کردند که جگرش را می سوزاند.
(جهاد درب بهشت، وحدت)



ماه های گردهاگردش (نمایندگان ایشان) که باعث روشنی راه از بیراهه می شوند. (۴)

واقعی سنجیده می شود که آن را به فال نیک می گیریم و سلام خداوند بر ماه پنهان (امام احمد الحسن) و سلام بر

راه نجات:

برادران و خواهران، خودم و شما را به استوار ماندن در صراط مستقیم (خلیفه خدا) سفارش می کنم و از نزدیک شدن به پرتگاه های تاریکی بر حذر می دارم.

این هدف ممکن نخواهد بود، جز با اخلاص و چنگ زدن به ریسمان الهی.

آری در مسیر عبودیت الهی باید به ریسمان الهی و حجتش چنگ بزنیم و متفرق نشویم. یادآور می شوم که سید احمد الحسن علیه السلام واسطه های ارتباطی خود با مردم و مؤمنین را به روشنی مشخص کردند؛ همچنین صفحه مبارک فیس بوکشان را با صوت مبارک تأیید نمودند تا کمترین بهانه ای برای تشکیک کنندگان باقی نگذارند.

همانا امام باقر علیه السلام فرمود: «... و بر هیچ مسلمانی جایز نیست از او [یمانی] سرپیچی کند؛ پس هر کس چنین کند از اهل جهنم است؛ چون او به سوی حق و راه مستقیم دعوت می کند.» (۵)

نجات

از جمله روشن ترین مصادیقی که منافقین را خشمگین می کند، بالابردن شأن مکتب سید احمد الحسن و بالابردن شعار و نماد آن، در سینه ها و در مکان هاست. از خداوند خواستاریم که ما و شما را نسبت به یاری همیشگی حق، ثابت بدارد و عاقبت ما را به این مسئله ختم کند؛ او شنوای اجابت کننده است. (۶)



منابع:

۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۳۴۱.
۲. الملاحم والفتن، ص ۱۴۴.
۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۳۳۹.
۴. پاسخ های روشن گرانه، ج ۵، ص ۴۹۱.
۵. الغیبه، محمد بن ابراهیم النعمانی، ص ۲۶۴.
۶. شیخ ناظم عقیلی، ۱۳ آگوست ۲۰۱۸.

«وَلَا يَظُنُّونَ مُوْطِئًا يَغِيْظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنْالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَبِيٍّ إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می آورد، قدم نمی گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی آورند مگر اینکه به سبب آن، عمل صالحی برای آنان نوشته می شود؛ زیرا خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند). (توبه، ۱۲۰)

محل شاهد، این قسمت از آیه است که هر کار یا سخنی که کفار را خشمگین کند، بالابردن درجات و به دست آوردن حسنات و نیکی هاست و باعث می شود انسان در چشمان خداوند متعال باشد... حضور در خانه های خدا و خانه های حجت های خدا و بالابردن شعار حاکمیت خدا و ترویج ذکر و رفتار حجت های الهی، همه این مسائل، کفار و منافقین را خشمگین می کند و خداوند برای فردی که این کار را انجام دهد، عمل صالح می نگارد و درجات او را بالا می برد.

سید احمد الحسن علیه السلام:

از خدا بخواهید تا فرج مولای ما مهدی علیه السلام را تعجیل فرماید، و در وهله اول با فضل و بخشش خود، و با جود و گرمش با ظهور و قیام او بر ما منت نهد، تا دست های ما را بگیرد و به صراط مستقیم رهنمون سازد.
(گوساله، جلد دو، تحریف کنندگان)



گزیده‌ای از کتاب تفسیر مقارن

استاد ضیاء زیدی



نیز می‌فرماید: «بدانید که در آن [قرآن]، علوم مربوط به آینده و سخن از گذشته و داروی شما و آنچه مایه نظم و سامان میان شماست، وجود دارد.» (نهج البلاغه، خطبه ۵۸)

اکنون که شأن و عظمت قرآن را دانستیم بر ماست بدانیم که آنچه از روایات آل محمد (علیهم‌السلام) به دست می‌آید آن است که شناخت قرآن به آل محمد (علیهم‌السلام) منحصر است و آنان مخاطبان حقیقی آن هستند؛ چنان که از امام باقر (علیه‌السلام) روایت شده است که فرمود: «انما یعرف القرآن من خُوطب به.» «قرآن را تنها کسی می‌فهمد که مخاطب آن است.» (کافی، ج ۸، ص ۳۱۱؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۳۷)

با این حال عده‌ای از علمای شیعه در عصر غیبت کبری، همانند اهل سنت تفسیر و تأویل قرآن را بر خود روا دانستند؛ با آنکه می‌دانستند علم آن نزد اهلش، یعنی

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست؛ همان کشتی‌های جاری در آب‌های عمیق؛ هرکس بر آن سوار شود، ایمن است و هرکس آن را رها کند، غرق می‌شود؛ هرکس از آن‌ها پیشی گیرد، [از حق] بیرون رفته است و هرکس از آن‌ها دور افتد، از میان رفته است و کسی که به آن‌ها پیوندد، به (حق) پیوسته است.

شکی نیست که علوم الهی شریف‌ترین جایگاه را در علوم انسانی دارد و بهترین علوم الهی، علم قرآن کریم است و در آن، خبر پیشینیان و پیشگویی آینده و حکم آنچه امروز در میان ماست، وجود دارد.

امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) در شأن و منزلت قرآن می‌فرماید: «به‌درستی که ظاهر قرآن، نیکو، و باطن آن عمیق است. شگفتی‌های آن از بین نمی‌رود، و غریب و اسرار آن، تمام نمی‌شود و تاریکی‌ها، جز به سبب آن، مکشوف نمی‌شود.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

سید احمد الحسن (علیه‌السلام):

جامعه ایمانی هوشیار برای اندیشه انقلاب الهی، یعنی در جامعه تعداد منافقان آن قدر زیاد نباشد که بر جامعه ایمانی چنان تأثیر بگذارد که آن را به انحراف کامل سوق دهد؛ به‌خصوص در مواقع هم‌بستگی برای جنگ در جهاد برای برافراشتن کلمه الله.

(جهاد درب بهشت)

مشخص است هرکس قرآن را تفسیر کند، مفسر قرآن نمی‌شود و هرکس نظری دهد بشریت آن را نمی‌پذیرد؛ پس برای پژوهشگر مناسب است پژوهشی مقایسه‌ای داشته باشد تا برای جلوگیری از گسسته شدن اصل موضوع و محدود کردن حوزه پژوهش، از دید و مسیری گزینشی شروع کند.

آل محمد است.

ما در این نوشتار در صدد آن هستیم تا تفاوت عمیق، میان علمی که سید احمد الحسن (ع) در متشابهات به صورت خاص آورده است و آنچه مفسران شیعه در تفاسیر خود از قرآن کریم بیان کردند، برای خوانندگان آشکار شود.

از این رو در این نوشتار به مشهورترین تفسیرها می‌پردازیم:

- (۱) تفسیر المیزان طباطبایی؛
- (۲) تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی؛
- (۳) تفسیر تبیان شیخ طوسی؛
- (۴) تفسیر برهان شیخ بحرانی؛
- (۵) تفسیر قرآن کریم ملا صدرا؛
- (۶) تفسیر صافی فیض کاشانی؛
- (۷) تفسیری از وحی قرآن از محمد حسین فضل الله؛
- (۸) تفسیر کاشف از محمد جواد مغنی؛
- (۹) تفسیر نمونه از ناصر مکارم شیرازی؛
- (۱۰) تفسیر تقریب قرآن از سید محمد حسینی شیرازی؛
- (۱۱) تفسیر منیر از محمد کرمی؛
- (۱۲) تفسیر مواهب الرحمن از سید عبدالاعلی سبزواری؛
- (۱۳) تفسیر از هدایت قرآن از سید محمد تقی مدرسی؛
- (۱۴) تفسیر الجوهر الثمین از سید عبدالله شیر؛
- (۱۵) تفسیر نهج البیان از محمد بن حسن شیبانی؛
- (۱۶) و دیگر تفسیرهای مشهور مکتب جعفری؛

در این نوشتار

لازم به ذکر است، تفسیرهای دیگر عموماً بیش از تکرار این تفسیرها نیست؛ زیرا یا با آیات کاملاً مشخص در قرآن، در تعارض است، یا مخالف احادیث اهل بیت (ع) است. در این تحقیق، گهگاه از دیگر تفسیرها نکاتی گرفته شده است. (برگرفته از کتاب تفسیر مقارن، نوشته استاد ضیاء زیدی، قسمت اول، رأی و اجتهاد در مفهوم قرآنی، پیشگفتار)

در قسمت‌های بعد به تفصیل، و آیه به آیه، تفاسیر این مفسران را با آنچه یمانی آل محمد سید احمد الحسن (ع) بیان داشت تطبیق خواهیم داد. با ما همراه باشید...

سید احمد الحسن (ع):

به فضل خداوند با استمرار جهاد و پیکار برای برافراشتن کلمه الله، این منظور محقق می‌شود، و چه بسا پس از آن، یا پس از مدتی نه چندان کوتاه محقق گردد؛ همان طور که برای امام علی (ع) و امام حسین (ع) وضعیت، چنین بود. (جهاد درب بهشت)



یمانی و پیوند رسالات آسمانی

قسمت سوم

است که اطراف تخت نشین (پیامبر اسلام) قرار دارند. (ر.ک. سیزدهمین حواری؛ مکاشفه ۴: ۲-۴؛ ۵: ۱-۱۴) درباره این بزه یا یمانی در نسخه عربی مسیحی (ای وی دی AVD) آمده است:

ثُمَّ نَظَرْتُ وَإِذَا حُرُوفٌ وَقِفٌ عَلَى جَبَلٍ صَهْيُونَ، وَمَعَهُ مِئَةٌ وَأَرْبَعَةٌ وَأَرْبَعُونَ أَلْفًا، لَهُمْ أَسْمُ آبِيهِ مَكْتُوبًا عَلَى جَبَاهِهِمْ) (سپس نگاه کردم و ناگاه بره‌ای برکوه صهیون ایستاده بود و همراهش ۱۴۴ هزار نفر بود که اسم پدر او را بر پیشانی‌شان نوشته داشتند).

این پدر چه کسی است؟

جز امام محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام)؟! و این پسر چه کسی است جز مهدی اول یا اول مؤمنان که در

وصیت پیامبر اسلام ذکرش آمده است؟

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «... و سپس سفیانی ظاهر و بر همه چیره می‌شود و دوازده پرچم معروف در کوفه برافراشته می‌شود و مردی از فرزندان حسین می‌آید که برای پدرش دعوت می‌کند...» (فتن نعیم بن حماد، حدیث ۸۳۶)

همچنین هنگامی که به نسخه‌های عربی مسیحیان نظیر AVD رجوع می‌کنیم، می‌بینیم سوار بر اسب سفید یا همان بزه یا نجات‌دهنده جهان با دو عبارت «صادق» و «امین» خطاب می‌شود. (ر.ک. نسخه‌های عربی مکاشفه ۱۹: ۱۱)

پیوند شگفت‌انگیز کتب مقدس ادیان ما را به این حقیقت راهنمایی می‌کنند که یمانی از بصره در عراق می‌آید و او منجی و مسئول گرفتن بیعت است و نامش احمد، عبدالله و مهدی است و او قائم است و جمع‌کننده یاران پدرش است و «صادق» و «امین» خوانده می‌شود و یکی از بیست و چهار جانشین پیامبر اسلام است.

امروز محل پیوند رسالات آسمانی در بین ماست و او کسی نیست جز احمد الحسن (علیه السلام)؛ کسی که از بصره در عراق آمده است و به «الصادق الامین» معروف بود و کنیه او اسرائیل یا عبدالله است؛

پس می‌پرسیم آیا یاریگری هست که او را یاری دهد؟

از دو قسمت پیشین مشخص شد که یمانی از بصره در عراق می‌آید و او منجی و دست راست خداوند و کسی است که مردم از طریق او با خدا بیعت می‌کنند. اینک این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان نام او را در متون مقدس ادیان ابراهیمی پیدا کرد؟ پاسخ مثبت است.

وقتی به کتاب اِشْغِیا، فصل ۴۹ رجوع کنیم، نکته مهمی را درباره منجی مشاهده می‌کنیم؛ در آیه ۳ می‌خوانیم: (و مرا گفت: ای اسرائیل، تو بنده من هستی که از تو خویشتن را تمجید نموده‌ام!)

تا اینکه در آیه ۶ می‌خوانیم: (پس می‌گوید: این چیز خیلی است که بنده من بشوی تا اسباط یعقوب را برپا کنی و ناجیان اسرائیل را باز آوری. بلکه تو را نور امت‌ها خواهم گردانید و تا اقصای زمین نجات من خواهی بود). و در آیه ۸ می‌خوانیم: (خداوند چنین می‌گوید: در زمان رضامندی تو را اجابت نمودم و در روز نجات تو را اعانت کردم؛ و تو را حفظ نموده، عهد قوم خواهم ساخت [الی آخر]).

بنابراین خداوند منجی را «اسرائیل» خطاب کرد و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «... "اسرائیل" به معنای "عبدالله" است؛ زیرا "إسرا" یعنی "عبد" و "ایل" یعنی الله عزوجل.» (علل الشرائع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۴۳)

بنابراین از کتاب اشعیا توانستیم سرنخی پیدا کنیم که اسم یمانی یا منجی «عبدالله» است، و در وصیت پیامبر اسلام درباره مهدی اول می‌خوانیم: «... سه نام دارد؛ نامی هم نام من و نام پدرم؛ و آن عبدالله است و احمد، و نام سومش مهدی است. او اولین مؤمنان است.» (الغیبة الطوسی، ص ۱۵۰، ح ۱۱۱، نسخه فارسی: ص ۳۰۰)

بنابراین او در بین بیست و چهار جانشین پیامبر اسلام، همان مهدی اول یا سیزدهمین وصی اوست. حال اگر به کتاب مکاشفه یوحنا رجوع کنیم می‌توانیم با کمی دقت متوجه شویم بزه ایستاده یا قائم که نجات‌دهنده جهان است، رمزی برای یکی از آن بیست و چهار پیروی

سید احمد الحسن (علیه السلام):

اندک بودن هوشیاری جامعه برای تفکر انقلاب الهی مانعی برای جهاد و مبارزه برای برافراشتن کلمه الله نیست؛ اما عامل بازدارنده و مانعی است دشوار که به مرور زمان از بین می‌رود.

(جهاد درب بهشت)





بیماری خطرناکی به نام نفاق

و این نفاق و دو رویی در تاریخ بیشتر در مواجهه با حجت‌های الهی خود را به نمایش می‌گذارد و انسان در معرض امتحانات و جنگ‌های سخت درونی خود قرار می‌گیرد؛ زیرا نقطه مقابل نفاق، وحدت است. این‌ها دو گذرگاه نسبت به یکدیگر کاملاً متفاوت هستند؛ همانند دو راه متفاوت دنیا و آخرت.

سید احمد الحسن علیه السلام درباره وحدت می‌فرمایند:

«وحدت و هم‌بستگی برای هر جامعه مبارزی، لازم و ضروری است؛ چراکه در غیر این صورت، نتیجه قطعی تفرقه و جدایی در جامعه مبارز، جز شکست نخواهد بود: **وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ** (از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنید و با یکدیگر به نزاع برنخیزید که ناتوان می‌شوید و قدرت و شوکتان از بین می‌رود. صبر پیشه کنید که قطعاً خدا با صابران است). (انفال، ۴۶)»

(سید احمد الحسن علیه السلام، جهاد درب بهشت، ص ۴۱)

این بیماری، آثار سلبی نیز به همراه دارد که نفس و روح انسان را به پست‌ترین نقاط در تمام عالم‌ها سوق می‌دهد...

تکبر، و دورویی یا نفاق، دو بیماری خطرناکی است که به روح انسان آسیب می‌رساند و آن را به نهایت پستی و رذالت و دوری از صراط مستقیم در زندگی دنیا می‌کشاند و بعد از آن به سوی جهنم که بدترین منزلگاه در آخرت بوده، سوق می‌دهد.

این‌ها دو خصلت مذموم هستند که آدمی به انتخاب خود دچار آن‌ها شده و با آن‌ها درگیر می‌شود و نفس خود را از خدمت به خود که موجب ضمانت سعادت ابدی در دنیا و آخرت است محروم می‌سازد.

پس ای مسکین! در حق نفس و روح خود بخیل نباش و به آن ظلم مکن؛ زیرا شدیدترین ظلم‌ها، ظلم انسان به نفس خویش است. (کتاب جامعه ما بین تکبر و نفاق، ص ۸)

بیماری خطرناک

نفاق و دو رویی از بیماری‌های بسیار خطرناکی هستند که همواره به‌طور عکس در مقابل مخاطب آشکار می‌شوند و می‌تواند حاوی اموری چون شک، حسد، کینه‌توزی، حيله، نیرنگ، شرک و ... باشد. (کتاب جامعه ما بین تکبر و نفاق، ص ۱۶)

سید احمد الحسن علیه السلام:

حتی در آن امتحانی برای مؤمنان، وضعیتشان، میزان یقینشان و راسخ بودن ایمانشان برای پیکار در راه برافراشتن کلمه الله، همراه ولی خدا و جانشین او در زمینش یا کسی که او علیه السلام برای قیام به این مهم منصوب می‌کند، وجود دارد.

(جهاد درب بهشت)



منافق، متفق با همدیگر و طرفدار یکدیگرند. مردم را به کار بد وامی دارند و از کار نیکو منع می کنند و دست خود را [از انفاق در راه خدا] می بندند، و چون خدا را فراموش کردند خدا نیز آن ها را فراموش کرد. در حقیقت منافقان بدترین زشت کاران عالم اند. (توبه، ۶۷)
(کتاب جامعه ما بین تکبر و نفاق، ص ۱۶)

و مراجعه کننده به قرآن کریم ملاحظه می کند که خداوند چگونه حال زار منافقان و ننگ و عارشان در دنیا و عذاب دردناک در آخرت را به تصویر می کشد:
(الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (مردان و زنان

منافق خطرناک تر از کافر

شکی نیست که منافق به مراتب خطرناک تر از کافر است؛ زیرا کافر، کفر خود را علنی کرده و به دشمنی شهرت یافته، اما منافق در پس چهره به ظاهر مؤمن خود، به عنوان دشمن به کمین می نشیند.
رسول الله ﷺ فرمودند:

«من هرگز بر اتم از سوی مؤمن و مشرک بیمناک نیستم؛ مؤمن را ایمانش باز می دارد و مشرک را کفرش ریشه کن می سازد؛ لیکن نگرانی و بیم من بر شما از سوی منافق زبان بازی است که آنچه شما معتقد هستید می گوید و آنچه را اعتقاد ندارید انجام می دهد.» (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۳۴۱)
(کتاب جامعه ما بین تکبر و نفاق، ص ۲۲)



چنین منظوری محقق نمی شود. (جهاد درب بهشت، ص ۴۱ تا ۴۴)

خواننده گرامی، خداوند شما را از هرگونه نفاق مصون بدارد و بدانیم که علاج این بیماری (نفاق) به طور کلی از آنجا آغاز می شود که هریک از اعضای این جامعه، نفس خود را تزکیه کنند، در نتیجه جامعه نیز پاک می شود و این امری واضح است؛ زیرا جامعه عبارت است از مجموعه ای افراد که در کنار هم زندگی می کنند؛ لذا بر هریک واجب است در تطهیر نفس خود و معالجه این بیماری (نفاق) سعی و تلاش کند؛ همان گونه که هرگاه جسم مادی ما دچار بیماری مشخص می شود ولو خیلی ساده باشد برای معالجه آن، در مراجعه به پزشک مجرب اندکی تعلل نمی کنیم و به علاج آن می پردازیم؛ پس چرا در حق جسم خود بخل نمی ورزیم ولی در حق نفسمان بخل می ورزیم در حالی که حقیقتاً در نفوسمان نهفته است. (کتاب جامعه ما بین تکبر و نفاق، ص ۴۲)
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حال که با نفاق و دو رویی و تفاوت آن با کفر آشنا شدیم دو زانوی ادب می زنیم در مقابل کلام مولایمان سید احمد الحسن علیه السلام درباره داشتن یک جامعه ایمانی هوشیار.

«جامعه ایمانی هوشیار برای اندیشه انقلاب الهی»

یعنی در جامعه تعداد منافقان آن قدر زیاد نباشد که بر جامعه ایمانی چنان تأثیر بگذارد که آن را به انحراف کامل سوق دهد. به خصوص در مواقع هم بستگی برای جنگ در جهاد برای برافراشتن کلمه الله. یا تعدادی از مؤمنان آگاه و هوشیار برای اندیشه انقلاب اسلامی بر جامعه ایمانی که پذیرای آن هاست، مسلط باشند و آن هم با مطرح کردن کلمه حق به صورتی راسخ و استوار و شناساندن حق و اهلش به جامعه ایمانی؛ **به این ترتیب خطر نفاق با آگاهی دادن درباره حق و اهلش توسط بسیاری از افراد جامعه ایمانی کاهش می یابد و در نتیجه انحراف کامل به سبب نفاق و اهلش به وجود نمی آید؛ و طبعاً با وجود تفرقه و با تسلط اهل باطل و کم بودن اهل حق،**

سید احمد الحسن علیه السلام:

ایستادگی در برابر جریان غالب، کار ساده ای نیست؛ اما وضعیت انبیا، فرستادگان و مؤمنان پیروانشان به همین صورت بوده است. همان طور که در قرآن و کتاب های آسمانی آمده است.
(جهاد درب بهشت)



پیدایش حیات زیر ذره بین احتمالات

آیا در خصوص پیدایش حیات بر
روی کره زمین، نظریه‌ای داریم که
با دلایل و شواهد علمی اثبات شده
باشد؟

آیا پیدایش حیات به‌طور طبیعی،
امری محتمل است؟

محتمل‌ترین فرض درباره پیدایش
چیست؟

سید احمد الحسن علیه السلام:

اخبار آسمانی از طرق مختلفی به انسان می‌رسد؛ اگرچه همه آن‌ها به یک اصل بازمی‌گردد: ممکن
است خداوند سبحان و متعال به‌صورت مستقیم از پس پرده یا حجاب با انسان سخن بگوید.

(نبوت خاتم، نبوت محمد صلی الله علیه و آله)

زمین، مسئله‌ای کاملاً طبیعی بوده است. باوجود اینکه تمام این فرض‌ها خیالی و احتمال وقوع هریک نیز بسیار ناچیز و در حد صفر است، چطور می‌شود تصور کرد این رویدادها، پشت سرهم اتفاق افتاده باشد؟! با این حال برخی از این افراد مایل‌اند این سخنان را معقول و قابل قبول بدانند. از دید این ملحدان کاملاً معقول است که تعداد بسیار زیادی شهاب سنگ حاوی مقادیر انبوهی اسید آمینه، دقیقاً سیاره زمین را انتخاب کرده باشند؛ در حالی که زمین در هستی همچون ذره غباری در بیابان است؛ هرچند احتمال وقوع چنین رویدادی اندک و در حد صفر باشد! همچنین از دید آن‌ها کاملاً معقول است که این شهاب سنگ‌ها در مسیر حرکت خود به سوی ما، در معرض تابش یک ستاره نوترونی قرار گرفته باشند تا اسیدهای آمینه چپ گرد در آن‌ها تولید شده باشد و ... و ... و به این ترتیب وقوع همه این فرض‌ها آن هم در حالی که احتمالی بسیار کم و در حد صفر دارند، برای آن‌ها کاملاً معقول و منطقی است؛ ولی اینکه ماورای قانونی که پروتئین همانندساز یا اسید آمینه را تولید می‌کند، قانون گذار و سازمان دهنده‌ای وجود داشته باشد، از نظر ملحدان نامعقول است؛ یا اینکه پشت زبان نقشه ژنتیکی، متکلمی وجود داشته باشد، در باور منکران خدا، غیر قابل قبول است!

به نظرم آنچه گذشت برای به پایان رساندن این مبحث کفایت می‌کند. آیا هیچ فرد عاقلی وجود دارد که بداند احتمال رخ دادن حادثه‌ای بسیار اندک و در حد صفر است و عمر تمام کیهان کفاف وقوع آن را نمی‌دهد، ولی عقیده داشته باشد که روی دادن آن در طول یک میلیارد یا یک ونیم میلیارد سال پیش از به وجود آمدن حیات روی زمین، مسئله‌ای طبیعی و عادی قلمداد شود؟ و در عین حال بررسی هرگونه احتمال معجزه آسا بودن این پدیده را کنار گذاشته باشد؛ از این رو به دنبال هر چیز پوچی بگردد تا به کمک آن فرضیه خود را به اثبات برساند؟!

بخش‌هایی از کتاب توهّم بی‌خدایی را در بالا مطالعه نمودید و اکنون پاسخ پرسش‌هایی که در آغاز مطرح کردیم، برایتان روشن شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر می‌توانید به فصل دوم کتاب توهّم بی‌خدایی مراجعه کنید.

منابع:

احمد الحسن، توهّم بی‌خدایی، ترجمه فارسی، ابتدای فصل دوم.

نیم به توان تعداد اسیدهای آمینه آن پروتئین است؛ به عنوان مثال اگر تعداد ترکیب‌های اسیدهای آمینه در پروتئین مطلوب ۵۰ باشد، احتمال اینکه همه این ۵۰ مولکول اسید آمینه چپ گرد باشند $1/5^{50}$ یا $1/2^{50}$ (یعنی حدود 10^{-16}) است. این احتمال بسیار اندک است. با اجتماع همه این حوادث بسیار نادر و با احتمالی در حد صفر و قرار گرفتن این گام‌ها به دنبال یکدیگر که برای پیدایش نخستین پروتئین لازم است، مسئله امکان پذیر بودن تقریباً منتفی می‌شود و انجام این عمل شبه محال خواهد بود. اما برخی از منکران خدا می‌کوشند با محاسبات معکوس، اعدادی را که برای تحقیق نتیجه مدنظرشان ضروری است فراهم کنند؛ مثلاً برای حل اولین مشکل، که همان فراهم بودن ماده سازنده یا اسیدهای آمینه است، می‌کوشند با ارائه برخی فرضیه‌ها که آن‌ها را برای حل و فصل، در پژوهش‌ها مطرح می‌کنند موضوع را خاتمه دهند. مثلاً می‌گویند شرایط زمین و آذرخش‌ها و صاعقه‌های فراوان در آغاز پیدایش زمین، منجر به شکل گیری این مقدار مواد سازنده شده است. یک فرضیه



خیالی دیگر هم وجود دارد؛ اینکه چهار میلیارد سال پیش، زمین با شهاب سنگ‌های حامل اسیدهای آمینه بمباران شد، و وقتی آن‌ها دریافتند که این اسیدهای آمینه فقط باید چپ گرد باشند، برخی از آنان فرضیه خیالی دیگری را مطرح کردند و گفتند این شهاب سنگ‌ها در مسیر حرکت خود به زمین، در معرض تابش یک ستاره نوترونی قرار گرفته‌اند، و از این دست توجیهات. این سخنان همگی بر پایه فرضیه‌های خیالی استوار است تا اثبات شود که میلیاردها سال پیش، پیدایش پروتئین همانندساز بر روی

سید احمد الحسن (رحمته الله علیه):

لازم نیست تمام انبیا حتماً از جانب خدای متعال فرستاده شده باشند؛ بلکه چه بسا در یک زمان بیش از یک نبی وجود داشته است؛ ولی حضرت باری تعالی یکی از آن‌ها را می‌فرستد و او را حجت بر آن‌ها و دیگر انسان‌ها قرار می‌دهد. (نبوت خاتم، نبوت محمد ﷺ)

ادعای نبودن نام مهدی در قرآن



(فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ
ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا
تَسْلِيمًا)

(ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند، مگر آنکه تو را در آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده ای در دل هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند). (نساء، ۶۵)

و به دلیل این سخن پیامبر ﷺ: «به من فرمان داده شده است که با مردم بجنگم تا به لا اله الا الله شهادت دهند و به من و آنچه آوردم، ایمان بیاورند. وقتی چنین کردند خون و اموالشان از طرف من محفوظ می ماند؛ مگر آنچه به حقتش ثابت شود، و حسابشان با خداوند است.» (۱) و این سخن ایشان: «آگاه باشید که به من کتاب قرآن و به همراهش همانندش داده شده است. آگاه باشید که به من قرآن و به همراهش شبیهش داده شده است.» (۲) و این سخن ایشان: «نزدیک است که آن شخص در حالی که بر کرسی اش تکیه زده، سخنی از احادیث من نقل می کند و می گوید: "بین ما و شما کتاب خداوند عزوجل حکم

اهل سنت بر این اعتقاد هستند که نام مهدی در قرآن ذکر نشده است و با این اعتقاد و باور می خواهند ایمان به مهدی موعود و مسئله انتظار را از ضروریات اعتقادات اسلامی نفی کنند.

برای پاسخ به این اشکال یا شبهه باید بگوییم ضروریات اعتقادات اسلامی فقط از قرآن گرفته نمی شود؛ بلکه از قرآن و سنت گرفته می شود، و پذیرفتن سنت رسول خدا ﷺ واجب است؛ زیرا حق تعالی می فرماید:

(مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)

(آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد، تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد و آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است). (حشر، ۷)

سید احمد الحسن علیہ السلام:

خوارج: نپذیرفتند که حاکم، انسانی منصوب از سوی خدا باشد؛ می گفتند «لا حکم الا لله» و قصدشان آن بود که «لا إمره الا لله»: فرمانروایی جز از آن خدا نیست؛ یعنی آن ها نپذیرفتند که «انسان (خلیفه الله)» بین آن ها و خدا واسطه شود و با این حال ادعای توحید و به کنار نهادن شرک نیز داشتند! (توحید، از خوارج دیروز تا وهابیت امروز)



می شود و هفت سال بین مردم می ماند. سپس می میرد و مسلمانان بر وی نماز می گزارند. (۵) و حق تعالی می فرماید:

(وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُون هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ) (و به راستی او نشانه ای برای آن ساعت است؛ پس در آن شک نکنید و از من پیروی کنید که این است راه مستقیم). (زخرف، ۶۱) ابن حجر می گوید: «مقاتل بن سلیمان و مفسران پیرو او می گویند که این آیه در شأن مهدی نازل شده است و احادیثی که صراحت دارد بر اینکه او از اهل بیت پیامبر است گفته خواهد شد؛ بنابراین، در این آیه دلالتی است بر برکت در نسل فاطمه و اینکه خداوند از فرزندان آن دو، پاکان بسیاری قرار خواهد داد و نسل آن دو را کلیدهای حکمت و منابع رحمت قرار خواهد داد؛ و سرش این است که خداوند فاطمه و فرزندان را از شیطان رانده شده حفظ می فرماید.» (۶)

حق تعالی می فرماید: **(قَالُوا أَوُذِيْنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِن بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوُّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ)** (گفتند: پیش از آنکه تو نزد ما بیایی و حتی بعد از آنکه به سوی ما آمدی در رنج و شکنجه بودیم. گفت: امید است که پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین سازد؛ آنگاه بنگرد که چگونه عمل می کنید). (اعراف، ۱۲۹)

ابن ابی حاتم با سندش از ابن عباس روایت کرده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «یقیناً ابتدا و انتها با ما اهل بیت است؛ پس گریزی نیست از اینکه دولتی از بنی هاشم تشکیل شود. پس بنگرید با آنکه از بنی هاشم است چه رفتاری می کنید و این آیه برای چه نازل شده است: **(عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوُّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ)** (امید است که پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین سازد؛ آنگاه بنگرد که چگونه عمل می کنید).» (۷)

می گویم: امکان ندارد منظور از دولت بنی هاشم حکومتی غیر از دولت امام مهدی باشد؛ زیرا آخرین دولت است؛ همان طور که خداوند عزوجل وعده فرموده است که زمین به بندگان صالحش به ارث خواهد رسید. حق تعالی می فرماید: **(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)** (و به راستی در زبور پس از ذکر [تورات] نوشتیم که این زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد). (انبیاء، ۱۰۵) و این یعنی حکومت صالحان پایانی نیک برای تاریخ زمین خواهد بود.

می کند؛ هرچه را در آن حلال بود حلال، و هرچه را حرام کرده بود حرام می کنیم. بدانید هرچه رسول خدا حرام کرده، مثل آنچه است که خدا حرام کرده است. (۳) همچنان که رسول خدا از مسائل بسیاری که تفصیلشان در قرآن نیامده، مانند احکام نماز، زکات، حج و نیز بعضی احکامی را که ذکری از آن ها در قرآن نیامده است خبر داده اند. به همین دلیل است که پیامبر اکرم ﷺ عدم گمراهی و نجات امت را تمسک به ثقلین دانسته اند، و تمسک به قرآن به تنهایی نجات دهنده از گمراهی نخواهد بود.

این علاوه بر آن است که اشارات قرآنی فراوانی به مهدی وجود دارد که در زیر به آن ها اشاره کرده ایم.

مهدی در قرآن:

حق تعالی می فرماید: **(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)** (او کسی است که فرستاده خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان را خوش نیاید). (صف، ۹)

در تفسیر این آیه وارد شده است: «از ابوهیره روایت شده است که گفت: این وعده ای از سوی خداوند است که اسلام را بر تمام ادیان برتری خواهد داد و این کار در آستانه خروج عیسی کامل خواهد شد.» و سدی می گوید: «این هنگام قیام مهدی است؛ پس کسی باقی نخواهد ماند، مگر مسلمان شده باشد یا خراج (جزیه) بدهد.» (۴)

و حدیث وارد شده از ام سلمه همسر پیامبر این حدیث را تأیید می کند. از پیامبر نقل شده است که فرمود: «هنگام مرگ یک خلیفه، اختلاف ایجاد می شود؛ پس مردی از اهل مدینه گریزان به سمت مکه خارج می شود. مردمی از اهل مکه به سوی او می آیند، او را خارج می کنند و بین رکن و مقام با او بیعت می کنند؛ در حالی که او مایل به این کار نیست. لشکری از شام به سویش هجوم می آورند که زمین، آن ها را بین مکه و مدینه در "بیداء" در خود فرو می برد. هنگامی که مردم این واقعه را می بینند ابدال (توبه کنندگان) از شام و گردان هایی از عراق نزد او آمده، بین رکن و مقام بیعت می کنند. سپس مردی از قریش ظاهر می شود که دایی هایش از قبیله کلب هستند. به سوی او هجوم می آورند و بر شورش آنان پیروز می شوند. ناکامی برای کسی خواهد بود که غنیمت شورش قبیله کلب را در نیابد! او اموال را تقسیم و بین مردم به سنت پیامبرشان عمل می کند. اسلام بر جای جای زمین استوار

سید احمد الحسن علی بن ابی طالب علیه السلام:

اصل یا ریشه خروج خوارج علیه علی بن ابی طالب علیه السلام، و بلکه خروج آن ها بر اسلام، جمله «لا حکم الا لله» (هیچ حکمی نیست جز حکم خدا) بود که بر زبان می رانند؛ شعاری که ظاهری فریبنده ولی باطنی سیاه دارد، و فقط اعراب بادیه نشین نادان که سخنی را فهم نمی کردند، فریب آن را خوردند. (توحید، از خوارج دیروز تا وهابیت امروز)



مهدی شخصیتی الهی

در نتیجه تمام این اشارات قرآنی بی‌هیچ تردیدی دلالت می‌کنند که مهدی، شخصیتی الهی است و اگر برخی سعی می‌کنند روایاتی را که توضیح دادیم با این بهانه که این‌ها صرفاً بیانگر نظر گوینده‌های این روایات است، تضعیف کنند، این نکته بدیهی و روشن است که این افراد از جمله صحابه‌ای مثل ابن عباس، ترجیحاً بر اساس شنیده‌هایشان اظهار نظر می‌کرده‌اند؛ یعنی نظر برتر این است که آن‌ها این تفسیرها را از پیامبر شنیده باشند یا از کسی که از پیامبر شنیده است....

و ۳۶.

۵. سنن ابوداود، ج ۲، ص ۳۱۰ و ۳۱۱، و در پی‌نوشت آمده است: «اسلام استوار می‌شود؛ یعنی به عزت و سلطه سابقش بازمی‌گردد... و منظور این است که در آن هنگام فتنه و درگیری نخواهد بود.»

۶. الصواعق المحرقة في الرد على اهل البدع و الزندقه، احمد بن حجر الهيتمي المکی، تعلیق و پی‌نوشت و مقدمه از عبدالوهاب عبداللطیف، مكتبة القاهرة، مصر، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۵ م، ص ۱۶۲.

۷. تفسیر قرآن عظیم، ابن ابی‌حاتم، ت، اسعد محمد الطیب، مكتبة نزار الباز، مکه مکرمه، چاپ اول، ۱۴۱۷/ ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۱۵۴۱. مؤلف در مقدمه، صفحه ۱۴ گفته است: «پس بر اساس صحیح‌ترین سندها و شبیه‌ترین متن‌ها متون را آوردم.» و محقق در صفحه ۶ می‌گوید: «و با این حال، امام عبدالرحمن بن ابی‌حاتم رازی در تفسیر خود، گفته‌های پیشینیان را با مستندات و با دقت و امانت‌داری در انجام کار و با محکم‌ترین صحیح‌ترین مستندات آورده است.»

برای آگاهی بیشتر در این باره، می‌توانید به کتاب «تصور اهل سنت از مهدی منتظر؛ بین عقیده و متون» نوشته دکتر عبدالرزاق دیراوی، ص ۲۸ تا ۳۰ و ۹۲ تا ۹۸ رجوع کنید.

منابع

۱. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۹.
۲. مسند امام احمد بن حنبل، دارالصادر، بیروت، ج ۴، ص ۱۳۱.
۳. کنز العمال، متقی هندی، گردآوری و تفسیر و تصحیح و فهرست‌گذاری و مقدمه شیخ بکری حیاتی و شیخ صفوة السقا، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹ ق/ ۱۹۸۹ م، ج ۱، ص ۱۷۵. ۴۲.
۴. تفسیر فخر رازی، فخرالدین رازی، دار الفکر، بیروت لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۹ م، ج ۱۶، ص ۴۲؛ و مراجعه شود به تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، محمد بن احمد قرطبی، د. عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، مؤسسة الرسالة، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۷/ ۲۰۰۶، ج ۱۰، ص ۱۷۹؛ و الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، ابواسحاق ثعلبی، ت، ابومحمد بن عاشور، دار احیاء التراث العربی، بیروت لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۲/ ۲۰۰۲، ج ۵، ص ۳۵.

سید احمد الحسن (علیه السلام):

وهابیت: آن‌ها نمی‌پذیرند که انسان (خلیفه الله) بین آن‌ها و خدا واسطه شود و با این حال ادعای

توحید و به کنار نهادن شرک نیز دارند!

(توحید، از خوارج دیروز تا وهابیت امروز)



ولادت انسان کامل

در دامن آمنه خدا خورشید
بنهاد هجوم تیرگی را کاست

از بهر ادب برای این مولود
یک باره تمامی جهان برخاست

در عرش هر آن که دید رخسارش
گفتند به اتفاق او مولاست

از شدت اخلاص و عبودیت
الله برای خود حبیبش خواست

در مکه حلول شد حضورش لیک
در قصر مدائن و دگر پیدا است

با آمدن تلالؤ خورشید
خاموشی آتشکده‌ها زیباست

دریاچه به خشکی آمده زیرا
امواج حیات در دل دریاست

امواج حیات آل احمد شد
آنی که میان خلق بس والا است

او سرور عالمی و هم ارباب
هر ایل و تبار و آل او آقا است

یارب به همین ماه و به مولودش
تعجیل فرج که مهدیات تنهاست

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی
و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که
منتظر شماست.

ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.